

| <b>دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۱  •  سال دهم  •  شماره ۱۶۵۹  • </b>                |                |
|-------------------------------------------------------------------------|----------------|
| <b>روزنامه</b>                                                          |                |
|                                                                         |                |
| ادبیات و کتاب                                                           |                |
| <p><b>از گرده فردوسی تا شانه دهخدا، محمد بقایای ماکان</b></p>           | <b>صفحه ۸</b>  |
| <p><b>جناب دخو عارض می‌شود که.... جواد مجابی</b></p>                    | <b>صفحه ۹</b>  |
| <p><b>نگاهی به کتاب‌های تازه منتشر شده: خسرو گلسرخی، احمد غلامی</b></p> | <b>صفحه ۱۰</b> |

| مکتوب ۱                                    |
|--------------------------------------------|
| <p>درباره ویژگی‌های سبکی «چرند پرند»</p>   |
| <p><b>طنز «دهخدا» تاریخ مصرف ندارد</b></p> |
| <b>ضیاء موحد</b>                           |

چرند و پرند «دهخدا» در روزگاری نوشته شد که ایران به واسطه جنبش مشروطه وارد دوران تازماری شده بود. دورانی که استبداد قاجاری به سر می‌آمد و روزنامه‌نویسی شکل می‌گرفت و به همین دلیل طنزنویس می‌توانست از موضوعاتی ملموس و محسوس بنویسد و همین‌وجه تمایز اصلی طنز دهخدا با طنز ادبی پیش از او است. در چرند و پرند اسلمی بسیاری از افرادی که در آن زمان بر مصد کار بوده‌اند، آورده شده و دهخدا آنها را هنرمندانه‌ست انداخته و بی‌کفایتی‌ها و ظلم‌هایشان را افشا کرده‌است. (از نکات مثبت نسخه جدیدی که ولی‌الله درودیان از چرند و پرند منتشر کرده، این است که «درودیان» در پایان کتاب، اشخاص و اسامی خاصی را که در چرندوپرند آمده، معرفی کرده‌است). برخلاف چرند و پرند، در نمونه‌های قدیمی‌تر طنز مثل آثار «عبیدزاکانی» و گلستان «سعدی» و حکایت‌های ملاحصرالدین، طنز بیشتر از نوع لطیفه‌گویی است و انتقادهای اجتماعی در قالب لطیفه بیان شده است و آن هم به صورت کلی و نه با اسم بردن از افرادی خاص. در آن آثار، اگر هم از کسی نام برده می‌شود، بیشتر مربوط به حکام گذشته است نه آنها که در روزگار خود طنزنویس، در مصدر امور بودند.بنابر این طنز دهخدا، در قیاس با نمونه‌های پیش از او، نوع تازه‌ای از طنز است، چرا که دنیایی که دهخدا تجربه کرده، دنیای تازه‌ای است و این دنیای تازه ایجاب می‌کند که افراد صریح‌تر باشند. دهخدا در طنزهایش به زمان حال و مسایل روز مردم می‌پردازد و برای همین، آنچه می‌نویسد ایران‌گیر می‌شود و بین مردم می‌رود. نکته دیگری که طنز دهخدا را از طنزهای نظیر آثار «سعدی» و «عبید زاکانی» متمایز می‌کند، این است که زبان این طنزنویسان، زبانی ادبی و متعالد است در حالی که زبان چرند و پرند دهخدا، ادبی صرف نیست. دهخدا روندی سطوح مختلف زبان، از زبان عامیانه تا زبان ادیبانه و حتی زبان متکلف و متصنع می‌لغزد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طنز دهخدا در چرند و پرند، که آن را با وجود پرداختن به موضوعات روز، هنوز هم خواندنی می‌کند، همین زبسان آن و توانایی دهخدا در حرکت در لایه‌های مختلف زبانی است. مثل حکایتی که در آن شخصی نامه‌ای را که به عربی نوشته شده برای نویسنده می‌آورد و نویسنده نامه را می‌دهد به یک عربی‌دان تا آن را برایش ترجمه کند و خود ترجمه‌نامه که تقلیدی است از نثر مصنوع و متکلف، یک شاهکار است. گرچه «بحیی آرن‌پور» در کتاب «از صبا تا نینما»، چرندوپرند را تحت‌تاثیر نشریه «ملاحصرالدین» و نوشته‌های «صابر» دانسته و حرفش تا حدی هم درست است، اما آنچه این دو را کملا از هم مجزا می‌کند، همین مساله زبان است. برای اینکه زبان فارسی و ترکی، دو مقوله مختلف هستند و امکانات هر زبان با امکانات زبان‌های دیگر متفاوت است. زبان چرنوپرند، ساخته و پرداخته خود دهخداست و حاصل تلفیقی که دهخدا از زبان‌های عربی و فارسی و زبان عامیانه کرده است. نثر دهخدا در چرند و پرند، یک نثر هنری است. کریستف بالایی می‌گوید نطفه دلدستان کوتاه ایرانی، اولین بار در چرندوپرند بسته می‌شود. هنر دهخدا در این است که هم به راحتی به زبان مردم حرف می‌زند و هم وقتی می‌خواهد نثر مصنوع و تقلبی را دست بیندازد، به خوبی از عهده این کار برمی‌آید. نکته دیگری که نثر دهخدا بسیار مهم است و آن را از طنزهای روزنامه‌ای جدا می‌کند، شگردهایی است که نثرنویس، برای آفریدن سبک به کار می‌برد. در چرندوپرند، انواع این شگردها را می‌بینیم؛ مثل چرند و پرند (۲۵) با عنوان «دروس الاشیاء» که گفت‌وگویی است بین مادر و فرزند «ننما- هان؟- این زمین روی چیه؟- روی شخاک گلو- گلو روی چیه؟- روی ماهی- ماهی روی چیه؟- روی آب- آب روی چیه؟- وای، وای! الهی رودت ببره، قحده حرف می‌زنی، حوصلم سر رفت».

در اینجا دهخدا برای طنزآفرینی و ایجاد سبک در طنز، از نوعی معاطله یعنی «معاطله تشنیع بر طرف» استفاده کرده. در این نوع معاطله، وقتی کسی بحثی منطقی را تا جایی پیش می‌برد و از جایی به بعد جوابی پیدا نمی‌کند، به شملت کردن طرف مقابل متوسل می‌شود. از دیگر شگردهایی که دهخدا، در چرند و پرند بسیار به کار برده، «تجاهل‌العارف» است و گفتن آنچه روی در آغاز ادعا کرده است که نمی‌داند. دهخدا با به کار بردن چنین شگردهایی است که دست به سبک‌آفرینی زده است. خاتم «صدر» از قول کیومرث صابری می‌نقل کرده‌است که صابری همیشه به کسانی که با او در گفت‌اا کار می‌کردند، می‌گفته آن‌قدر چرند و پرند را بخوانید که از حفظ شوید. صابری گویا معتقد بود که بعد از دهخدا ارایه هیچ‌کس نتوانست در طنزنویسی از او فراتر برود و کاری بالاتر از کار دهخدا ارایه دهد. البته رهاهایی از طنز دهخدا را در «وغوغ ساهاب» و «ولنگاری» صلیق هدایت هم می‌توان دید؛ اما به گمان من این آثار هم چندان از چرند و پرند دهخدا فراتر نرفته‌اند و این به همان سبک‌آفرینی هنرمندانه دهخدا و زبان او برمی‌گردد. در چرندو پرند، ردی از دهخدای لغتنامه‌نویس نمی‌بینیم. دهخدای لغتنامه‌نویس، کسی است که نه بر اساس قریحه که بیشتر تحت تاثیر اطلاعات لغوی‌اش شوری مثل «گردن و سینه در شکم مدغم»... را گفته. بایسته شدن سوراسرافیل و بعد از آن هم پا گرفتن استبدار زشاهایی، دهخدا طنزنویسی را کنار گذاشت و رفته‌رفته به کار تحقیقی و تدوین لغتنامه رو آورد و متأسفانه هر چه بیشتر به لغت پرداخت و خودش را غرق کارهای تحقیقی کرد، از بار هنری‌اش کاسته شد. در واقع می‌توان گفت که تحقیق ادبی به دهخدا تحمیل شد. لوح خلاقیت هنری دهخدا، در نوشته‌های طنزآمیز اوست. به گمان من حرف مرحوم صابری دربارهٔ پرمانند بودن چرندوپرند، هنوز هم معتبر است و همچنان هیچ طنزنویسی نتوانسته از حد دهخدای چرند و پرند بگذرد. گرچه بعد از انقلاب، طنزنویسانی پیدا شدند که با پانان کتاب واره نامه و نامنامه‌ای هم آمده و نوشته‌های ولی‌الله درودیان، به اولی، شرح لغات و اصطلاحات به کار رفته در چرندپرند و دومی، شامل نام افراد و مکان‌هایی است که دهخدا در این کتاب از آنها نام برده‌است. «چرندپرند» و انتشارات نیلوفر منتشر کرده است.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>ولی‌الله درودیان و دهخدا</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
| <span></span>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| چه چیز در «چرندپرند» دهخدا هست که به‌رغم ارتباط مستقیم آن با وقایع سیاسی عصر خود، آن را برای مخاطب امروز ادبیات هم‌خواندنی می‌کند؟ بسیاری هنوز هم معتقدند که دهخدای نویسنده چرندپرند، در مرتبه‌ای بسیار برتر از دهخدای محقق و شاعر و لغتنامه‌نویس قرار دارد و سال‌ها قبل نیز بهرام صادقی، در گفت‌وگویی گفته بود که دهخدای محقق محصول اختناق و گوشه‌نشینی اجباری روشنفکران است. امروزه «چرندپرند» را می‌توان یکی از متون مرجع در زمینه طنز ادبی به‌شمار آورد. طنزی که سیاست را از خلال خلاقیت ادبی و تسلط دهخدا بر زبان و فرهنگ عامه از یک سو و احاطه او بر ادبیات کلاسیک، عبور می‌دهد و انثری هنری پدید می‌آورد که در عین اتصال به زمانه خود، تاریخ مصرف پیدا نکرده است. بدون شک، زبان دهخدا در چرندپرند را باید یکی از آبتخورهای اصلی قصه‌نویسی معاصر ایران به‌شمار آورد؛ چنانکه براهنی در مقاله‌ای با عنوان «طنز دهخدا و تاثیر دهخدا روی نثر معاصر» که در کتاب «قصه‌نویسی» چاپ شده و ولی‌الله درودیان نیز آن را در کتابی درباره دهخدا با عنوان «دهخدا، مرغ سحر و شب تار» آورده، در این باره می‌نویسد: «نثر دهخدا پلی است بین قصه‌نویسی و روزنامه‌نویسی؛ نثری است روزنامه‌ای که به جای آنکه یک روزنامه‌نگار بنویسد، یک ادیبان واقعی می‌نویسند؛ نثری است عامیانه بدون آنکه مبتذل باشد؛ و |

|                           |
|---------------------------|
| <b>نگاه</b>               |
| <p>طرح: های جیدری شرق</p> |

در این سطرهای چرندوپرند: «... رجال بزرگ وقتی حرص‌شان در آمد حق دارند همه کار بکنند. همان طور که اولیای دولت حرص‌شان در آمد و بدون محاکمه قاتل بصیرخلوت را کشتند. همان طور که حبیب‌الله افشار حرصش در آمد و چند روز قبل به امر یکی از اولیا، سیف‌الله خان برادر اسدالله خان سرتیپ قزاقخانه را گلوله‌بیچ کرد. همان طور که نظام‌السلطنه حرصش در آمد و با آن که پشت قرآن را مهر کرده بود جعفر آقای شکاک را تکه‌تکه کرد. همان طور که آن دو نفر حرص‌شان در آمد و دوماه قبل یک نفر ارمنی را پشت پتخجال حسن آباد قطعه‌قطعه کردند. همان طور که آدم‌های عمیدالسلطنه طلارش حرصشان در آمد و انهایی را که در گرگانه رود طرفدار مجلس بودند، سر بریدند. همان‌طور که عثمانی‌ها به خواهش سفیر کبیرهای ما و شیخ احمد روحی و حاج میرزا حسن خان خبیرالملک امروز هم اهالی بی‌کس و بی‌معین ارومیه را به باد گلوله توپ گرفته‌اند. همانطور که پسر رحیم خان چلبیانو حرصش در آمد و ۲۵۲ نفر زن و بچه و پیرمرد را در نواحی آذربایجان شقه کرد. همان طور که میرغضب‌با حرص‌شان در آمد و درخت‌های فندق پارک تبریز را با خون میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی و حاج میرزا حسن خان خبیرالملک آبیاری کردند. همان طور که...» پس می‌کنم و صفحه اول چرند و پرند جیبی قدیمی را دوباره می‌خوانم: «توجه به‌طوری‌که در مقدمه کتاب ملاحظه می‌فرمایید نوشته‌های چرند و پرند در حدود نیم قرن پیش قبل از...»



طنز است بدون آنکه فقط در سطح انتقاد بماند؛ نثری است که از طریق تصویرهای طنزآمیز انتقادی به دنبال سرگرمی نیز می‌گردد. و البته طنز دهخدا بهترین طنز اجتماعی است که داریم، بدون آنکه آنچنان سنگین بشود که مردم نفهمند و بی‌آنکه آن‌قدر سبک شود که از حدود طنز خارج شود؛ یا مثل طنزی که بعضی از این چیچو فرانکوهای مطبوعاتی می‌نویسند، فقط مضحک باشد» «(قصه‌نویسی/ص ۵۳۶) ولی‌الله درودیان، سال‌هاست که درباره دهخدا تحقیق می‌کند و حاصل این تحقیقات، چند کتاب در معرفی زندگی و آثار دهخداست و همچنین کتاب‌هایی است که درودیان، مقالاتی را درباره دهخدا در آن‌ها گردآورده و منتشر کرده و در این گفت‌وگو هم از آن کتاب‌ها نام برده است. امسال، انتشارات نیلوفر متن کامل «چرندپرند» دهخدا را به کوشش ولی‌الله درودیان منتشر کرده است. این کتاب، علاوه بر متن چرندپرند و پیشگفتار و زندگینامه دهخدا شامل سه مقاله دیگر هم هست؛ مقالاتی با عنوان‌های «سیاست در چرندپرند دهخدا» نوشته دکتر سهراب یزدانی، «ششیوه و شگردهای دهخدا در نوشتن چرندپرند» نوشته ولی‌الله درودیان و «دو نمونه از طنز قدیم و جدید» نوشته فریدون تنکابنی. علاوه بر این درودیان در پایان کتاب واره نامه و نامنامه‌ای هم آورده است. اولی، شرح لغات و اصطلاحات به کار رفته در چرندپرند و دومی، شامل نام افراد و مکان‌هایی است که دهخدا در این کتاب از آنها نام برده‌است. «چرندپرند» و انتشارات نیلوفر منتشر کرده است.

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

باختین در فصل دوم کتاب «تخیل مکالمه‌ای» با عنوان پیشینه گفتمان رمان گرا، انواع ادبیات عامیانه و طنزآمیز در دوران باستان را که برای هجو و دست انداختن ادبیات فاخر و ارائه تقلید تمسخرآمیز از انواع گفتمان‌های رسمی و جاافتاده ساخته می‌شد، به‌عنوان پیشینه‌های رمان، بررسی کرده است. از جمله آنچه که در بررسی ادبیات روم باستان، از آن با عنوان «دبیات پست مردمی» نام می‌برد، این ادبیات پست، همان ادبیاتی است که جوهره رمان را می‌سازد و دهخدا هم در چرندوپرند، از امکانات موجود در آن به خلاقانه‌ترین شکل ممکن استفاده کرده و با آن گفتمان مسلط و سنت‌های جاافتاده و جاگیرکننده استبداد را دست انداخته و نقد کرده است و در عین حال، صدای مردم خاموش استبدادزده را در متن ادبیات احضار کرده است... صفحه‌ای از آن نسخه جیبی قدیمی چرندوپرند را با آن مقدمه فرمایشی و از سر اجبار، باز می‌کنم. صفحه‌ای که لای آن، یک روزنامه همشهری تا خورده زرد هست، مال سال ۱۳۷۸ که در آن عکسی از جسد‌های قهرمانان کلیدر دولت آبادی چاپ شده بالای جسد گل محمد، سر بریده خان عموست، انگار حک شده

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

|                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------|
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |
| <b>دوره دوباره «چرند پرند» دهخدا به مناسبت انتشار ویراست تازه‌ای از آن</b> |
| <span></span>                                                              |

«دهخدا، مرغ سحر در شب تار» آورده‌ام. وی معتقد است: نثر دهخدا، پلی است بین قصه‌نویسی و روزنامه‌نویسی. نثری است روزنامه‌ای که به جای آنکه یک روزنامه‌نگار بنویسد، یک ادیبان واقعی می‌نویسد، ... ص ۱۰۰»

**✎ یکی از ویژگی‌های چرند پرند را، بکارگیری هنرمندانه لحن، در این کتاب دانسته‌اند. ممکن است قدری در این باره توضیح دهید؟**

عامل لحن، یعنی اینکه هر کاراکتر با زبان ویژه خود سخن بگوید. با مطالعه دقیق همین متن کامل چرند پرند به معنی این سخن کاملاً آشنا خواهید شد. در اینجا، یک زورخانه کار، از اصطلاحات زبان خود استفاده می‌کند، یک زن خانه‌دار و... همچنین.

**✎ با توجه به اینکه دهخدا با فرهنگ و زبان و ادبیات اروپایی هم آشنا بود، آیا در «چرند پرند» می‌توان تاثیر طنزنویسان اروپایی را هم دید؟**

دهخدا در زمانه خود آشنایی است فرهیخته و دو فرهنگ، هم زبان عربی می‌داند و با معارف اسلامی آشناست و هم در مدرسه علوم سیاسی تحصیل کرده و با زبان فرانسه آشناست. چنین آدمی حتماً با نویسندگان و شاعران و اندیشه‌وران غربی نیز به‌خوبی آشنایی و معرفت دارد. بدون آشنایی بدین‌درجه از قدرت نویسندگی نمی‌توان رسید.

**✎ با اینکه هر بخشی می‌گویند، دهخدا بعدها پرداختن به سیاست را کنار گذاشت و به کار پژوهشی پرداخت، اما به نظر می‌رسد که سیاست همواره یکی از دغدغه‌های او باقی ماند چنانکه در دوران دولت دکتر مصدق، از او حمایت کرد و این حمایت، در دسرهایی هم برای او به وجود آورد...**

دیدم که دهخدا در پاسخ مرحوم استاد محمد پروین گنابادی پرداختن به کارهای پژوهشی را از «سرناجاری» می‌دانسته و کنار گذاشتن طنزنویسی را نبود آزادی و امکان نشر آن. در قضیه ملی شدن نفت با حمایت از دولت ملی دکتر مصدق نشان داد که آتش آزادپنخواهی و مبارزه با غارتگران بین‌الملکی هنوز در وجودش روشن و شعله‌ور است.

**✎ به نظر تان جایگاه دهخدا در میان دیگر نویسندگان عصر مشروطه که ادبیات را به سمت ساده شدن زبان پیش بردند، چه جایگاهی است؟**

قبل از دهخدا، دیگر روشنفکران ایرانی برای بیدار کردن عامه و انبوه مردم، به ساده کردن شعر و نثر همت گماشتند. منتها دهخدا، آخرین گام بلند را برداشت و با نوشتن چرندپرند نام خود را در تاریخ زمان و ادب پارسی جاودانه کرد.

**✎ آیا تاثیر دهخدا را در ترجمه ادبی هم می‌توان پی‌گرفت؟ مثلاً نثری که محمدقاسی در ترجمه دکن‌یشوت به کار برده و در آن از ضرب‌المثل‌ها و ادبیات عامه به خوبی استفاده کرده، چه قدر متأثر از نثر چرندپرند است؟**

به این سوال شما هم در حال حاضر نمی‌توانم جواب بدهم. چون سال‌ها از خواندن این شاهکار جهانی می‌گذرد. به ظاهر این دو کتاب، رابطه‌ای با هم ندارند و به دو زبان ناهمگون وابسته‌اند.

**✎ آیا بعد از انتشار متن کامل چرند پرند، قصد دارید باز هم به دهخدا بپردازید؟** امیدوارم. تا چه پیش آید. کار من با دهخدا هنوز پایان نگرفته است. اما تا خدا چه خواهد و روزگار چه پیش آورد.

**✎ پس از دهخدا، به کار کدام یک از طنزنویسان ایرانی علاقه‌مندید؟**

من همواره دوستدار آثار صادق هدایت و دکتر بهرام صادقی بوده‌ام و از نویسندگان ایرانی و غیرایرانی آنچه خواندنی بوده است خوانده‌ام و همچنان در کار خواندنم.

## دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی

## «میم» ممنوع لغت‌نامه

چرند و پرند در حدود نیم قرن پیش از انقلاب سفید شاه و ملت نگارش یافته «می‌توانست دهخدا را به‌طور کامل سیاست‌زدایی کند، چون دهخدا سیاست را چنان در زبان و سبک نوشتاری چرندوپرند حک کرده بود که پس از چاپ آن در سوراسرافیل، خودش تن و قلم به هر‌جا هم که می‌کشاند، سیاست دیگر از او کنده نمی‌شد چرا که سیاست دهخدا نه فقط در محتوای نوشته‌هایش در چرندوپرند، که عمیق‌تر از آن، در استراتژی ادبی و زبانی و سبک این نوشته‌ها نمود یافته بود. ادبیات چرندوپرند نه ادبیات فاخر جاافتاده و تر و تمیز، بلکه ادبیات طردشدگان و آوارگان بی‌صدا بود و بی‌دلیل نبود که این ادبیات آواره و به‌شدت سیاسی، نویسنده‌اش را هم مدتی آواره کرد و به گریز و زندگی پنهانی واداشت و بعدها هم که دهخدا گوشه‌نشین شد و به ظاهر طنز و سیاست را رها کرد، در بزنگاه نهضت ملی و دولت مصدق بار دیگر سیاست یقه او را چسبید و بعد هم که آن «همیم» غایب لغتنامه که با غیاب خود، سیاست را در تن یک کار پژوهشی هم حک کرد.. چرندوپرند را به گواه سبک و زبان آن باید یکی از مهم‌ترین نثرهای رمان‌گرا به تعبیر باختینی آن به شمار آورد.

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

## دهخدای جوان و عاقبت قلمفرسایی

## «میم» ممنوع لغت‌نامه

چرند و پرند در حدود نیم قرن پیش از انقلاب سفید شاه و ملت نگارش یافته «می‌توانست دهخدا را به‌طور کامل سیاست‌زدایی کند، چون دهخدا سیاست را چنان در زبان و سبک نوشتاری چرندوپرند حک کرده بود که پس از چاپ آن در سوراسرافیل، خودش تن و قلم به هر‌جا هم که می‌کشاند، سیاست دیگر از او کنده نمی‌شد چرا که سیاست دهخدا نه فقط در محتوای نوشته‌هایش در چرندوپرند، که عمیق‌تر از آن، در استراتژی ادبی و زبانی و سبک این نوشته‌ها نمود یافته بود. ادبیات چرندوپرند نه ادبیات فاخر جاافتاده و تر و تمیز، بلکه ادبیات طردشدگان و آوارگان بی‌صدا بود و بی‌دلیل نبود که این ادبیات آواره و به‌شدت سیاسی، نویسنده‌اش را هم مدتی آواره کرد و به گریز و زندگی پنهانی واداشت و بعدها هم که دهخدا گوشه‌نشین شد و به ظاهر طنز و سیاست را رها کرد، در بزنگاه نهضت ملی و دولت مصدق بار دیگر سیاست یقه او را چسبید و بعد هم که آن «همیم» غایب لغتنامه که با غیاب خود، سیاست را در تن یک کار پژوهشی هم حک کرد.. چرندوپرند را به گواه سبک و زبان آن باید یکی از مهم‌ترین نثرهای رمان‌گرا به تعبیر باختینی آن به شمار آورد.

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

|                                     |
|-------------------------------------|
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |
| <b>دولت‌خواهی و عاقبت قلمفرسایی</b> |
| <span></span>                       |

## دهخدای جوان و عاقبت قلمفرسایی

## «میم» ممنوع لغت‌نامه